

واکنش سامی یوسف به حادثه پلاسکو

سامی یوسف، تهیه‌کننده، آهنگساز، ترانه‌سرا و خواننده ساکن انگلستان که در ترانه‌هایش به مضامین اسلامی می‌پردازد با انتشار پستی در صفحه‌تویتر خود نسبت به حادثه پلاسکو واکنش نشان داد. او در این باره نوشت: «خداوند آن آتش‌نشان‌های فداکار را رحمت کند، فرشتگان واقعی که جان خود را فدا کرده‌اند تا دیگران را نجات دهند.»



خاطره بازی

نوستالژی پرنده

رها بیگدلی

«کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» به تنهایی نامی است که برای نسلی که بین سال‌های ۵۷ تا ۶۵ متولد شده‌اند، دنیایی از خاطره و نوستالژی را با خود حمل می‌کند. افراد این نسل در کلاس‌ها و بیچ و خم‌های کانون جنگ و صدای آژیر قرمز را ساعتی فراموش کرده‌اند و با کتاب‌هایی که از آن امانت گرفته‌اند، رویاهای کودکی‌شان را بارها و بارها به تعداد دفعاتی که هر کتاب را امانت گرفته و خوانده‌اند، ساخته‌اند.

کتاب‌های کانون برای نسلی که تنها سرگرمی‌اش روزی یک ساعت برنامه کودک سیاه و سفید بود دنیایی را با خود همراه می‌آورد که سرشار از رنگ بود و در آن قهرمانان کوچک کتاب‌خواه ایرانی و خواه خارجی، خواه حیوان و خواه انسان به آرزوهایشان می‌رسیدند و در مسیر رسیدن به این آرزو نسل خو گرفته با ساعت‌های بی‌برقی و تاریکی را هم بسا خود همراه و وادار به فکر کردن می‌کردند.

مناسفانه این‌دست کتاب‌ها در میان هیاهوی سال‌های پرشتاب بعدی که آمدند و عصری که عصر ارتباطات نام گرفت، جایی در میان قفسه‌های نمور کانون انگار ماندند و دیگر در بازار کتاب اثری از آنها نبود تا پسر و مادرهایی که بسال خیال‌شان را با آنها پرواز داده بودند به کودکان‌شان لذت می‌خواندن آنها را هدیه دهند.

در این میان «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» که سال‌هاست آن فروغ سال‌های پیشین را ندارد، دست به عملی زیبا زد و به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیسش کتاب‌هایی که نوستالژی نسلی را با خود می‌کشند دوباره چاپ کرد. کتاب‌هایی که سال‌های کودکی کودکان جنگ را ساختند و اینقدر برایشان عزیز است که در این سن و سال هم می‌توانند باز بارها آنها را بخوانند و به دنیای کودکی‌شان برگردند.

می‌توانند این کتاب‌ها را به نسل عادت کرده به بازی‌های رایانه‌ای هم هدیه دهند و مطمئن باشند که هدیه‌ای به نسل جدید داده‌اند که سر ذوق می‌آوردشان تا شده حداقل چند صفحه‌ای کتاب بخوانند و دقیقه‌ای نگاه از صفحه گوشی و تبلت بگیرند.

حالا با چاپ دوباره کتاب‌های قدیمی کانون افراد چندین نسل می‌توانند کتاب‌هایی مثل «کلاس پرنده» اثر اریش کسنتر را بخوانند و باز مثل «جوناتان تروتس» زیر لب بگویند: «خنده‌دار است اگر زندگی زیبا نباشد.»

کتاب

حمیدرضا صدر «یه چیزی بگو» را ترجمه کرد

حمیدرضا صدر مؤلف رمان «تو در قاهره خواهی مرد» این بار سراغ کتابی از لوری هالس اندرسن از نویسندگان پرفرقدار و پرفروش ادبیات آمریکا برای ترجمه رفته است. این کتاب که به تازگی در نشر چشمه منتشر شده است، رمانی روان‌شناختی و خوش‌خوان است که در روزهای نخست انتشار نیز با استقبال روبه‌رو شده است. عمده شهرت لوری هالس اندرسن در حوزه رمان‌های روان‌شناختی با محوریت قهرمان‌های نوجوان یا آثار تاریخی است. این نویسنده نیویورکی پرکار با رمان «یه چیزی بگو» به محبوبیت رسید. این رمان که نخستین اثر اوست سال ۱۹۹۹ منتشر شد و در سال ۲۰۰۴ اقتباسی سینمایی براساسش انجام گرفت. اندرسن در این رمان زندگی یک نوجوان طبقه متوسط آمریکا را محور قرار می‌دهد و روزگار و ماجراهای ریز و درشت این شخصیت را طی چهار ترم تحصیل در دبیرستان به تصویر می‌کشد؛ دوره‌ای که در آن این شخصیت با وجوه متفاوت آدم‌ها، نظام آموزشی، ساختار خانواده و کلان‌هنجارهایی مواجه می‌شود. اموری که هر کدام‌شان ویژگی‌های درونی این نوجوان را در جامعه پایان قرن بیستم آمریکا نمایش می‌دهد. او به فضا و آدم‌ها با دقت می‌نگرد و تلاش می‌کند مسیر زندگی‌اش را در دست بگیرد. یه چیزی بگورمانی است رمان‌شناختی و خوش‌خوان که می‌تواند برای مخاطبان بسیاری جذابیت‌روایی داشته باشد. ماجراهایی که برای شخصیت رخ می‌دهد و انبوهی از خرده‌روایت‌ها با زبانی ساده، این اثر را به کتابی تبدیل کرده که می‌توان به راحتی آن را خواند.

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از ادب و هنر

عرب‌ها هم هوشنگ مرادی‌کرمانی می‌خوانند

کتاب دوزیانه «شما که غریبه نیستید» از شاخص‌ترین کتاب‌های هوشنگ‌مرادی کرمانی با ترجمه‌خبریه‌دماک قاسم، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بغداد و مجید شمس‌الدین، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی ویژه کشورهای عربی زبان با همت انتشارات خاموش راهی بازار خواهد شد.



نمایشگاه عکس «از کابل تا جاکارتا» در گفت‌وگو با فاطیما حسینی

جست‌وجوی هویتی که در آن گم می‌شوی



دلیا ویرن جوړیت و فاطیما حسینی

«از کابل تا جاکارتا، نمایشگاه مشترک فاطیما حسینی و دلیا ویرن جوړیت است که دیروز جمعه یکم بهمن با حضور

سفیر اندونزی و رایزن فرهنگی افغانستان در فرهنگسرای ارسباران افتتاح شد. این

نمایشگاه عکس‌هایی از شهر تاریخی کابل با قدمت دوهزارساله با آثار فاطیما حسینی و عکس‌هایی از جاکارتا، شهر قلعه‌ای و پایتخت کشور اندونزی با فریم‌هایی از اردیبا و ویرن جوړیت یکم تا دهم بهمن ساعت ۱۶ تا ۲۰ برای بازدید عموم در فرهنگسرای ارسباران به نمایش درمی‌آید. این دودر جایی دور از کشورشان زندگی کرده‌اند. آثار ارائه شده در این نمایشگاه برداشت و نشانه‌های مشترک بین این دو پایتخت از نگاه این دو عکاس در گذر خیابانی از پایتخت کشورشان است. فاطیما حسینی، دانشجوی هنر در رشته عکاسی واردیبا و ویرن جوړیت، دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه تهران است. تهران جایی است که بیش از هر شهر دیگری در آن زندگی کرده‌اند و فارسی‌زبان مشترک تبادل این دو هنرمند به شمار می‌رود. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با این عکاس افغانستانی را در ادامه می‌خوانید.

+++

افغانستان به ویژه کابل را از چشم عکاسان غیرافغانستانی دیده‌ایم. اما کمتر در ایران یا عکاسانی از افغانستان آشنا هستیم. بفرمایید از این منظر عکاسی افغانستان در چه وضعیتی قرار دارد؟

بله، دقیقاً در افغانستان عکاس‌های خارجی زیادی کار کرده‌اند و پروژه‌های عکاسی فراوانی در آن جا به نتیجه رسیده است؛ اما فارغ از اینکه تأثیری روی عکاسان داخلی بگذارد، ولی در حال حاضر با توجه به ورک‌شاپ‌ها و اتفاقات خوبی که در رقابت‌های عکاسی داخلی و خارجی اتفاق می‌افتد عکاسی افغانستان به سمت جلو در حال حرکت هست و عکاسان بی‌نظیری با اعتبارهای بین‌المللی کار می‌کنند.

ایرانی‌ها از طریق داستان‌های نویسندگان افغانستان با لایه‌هایی پنهان مانده از چشم رسانه‌های خبری آشنا شده‌اند و دیده‌وبستان‌های خوبی هم صورت گرفته است. آیا عکس‌های شما هم روایتی متفاوت با آنچه دیده‌ایم، هست؟

طبعاً نمی‌توان بی‌خیال قسمتی از فقدان حاصل از



کابل به ر وایت فاطیما حسینی

جنگ در افغانستان شد و مقایسه آن با قدرت دیگر پایتخت‌های هم‌دوره‌اش. اما چیزی که در چشم ما به علاوه نگاه گذری و توریستی بود تناقض‌های شهری و تفاوت‌های بین مردمی بود که به نمایش درآمدند.

شما بیشتر در ایران بوده‌اید. این دوری از کابل، این خطر را به وجود نیاورده است که نگاه شما هم نگاهی بومی به کابل نباشد؟

اتفاقاً چیزی که هم در مورد من و هم اردیبا از اندونزی به آن اشاره شد، همین نکته بود. نگاه دور از سرزمین و پایتختی که متعلق به آن هستی، و در عین حال نگاهی کاملاً توریستی و غیربومی و جست‌وجوی هویتی که در آن گم می‌شوی.

چطور به این نتیجه رسیدید که عکس‌هایتان را با دلیا ویرن جوړیت در کنار هم قرار بدهید؟ آیا فقط همین دور بودن هر دو از وطن و زادگاه کافی بود یا اشتراکات دیگری هم دیده می‌شود؟

اشتراکات بیشتر در بحث هویتی بود؛ اینکه چقدر دور بودن از سرزمین دغدغه‌های ما و عمق دیداری‌مان را نسبت به جایی که به آن تعلق داریم عوض می‌کند و البته پارادوکس‌های شهری و کشوری آن هم پایتخت باعث شد بیشتر به نتیجه‌گیری‌مان جان بدهیم. تفاوت‌ها در کنار اشتراکات و دغدغه‌های هویتی.

شما دانشجوی عکاسی در دانشگاه تهران هستید و دلیا ویرن جوړیت دانشجوی رشته علوم سیاسی همین دانشگاه. به نظر تان این دو گرایش در این نمایشگاه مشهود است؟

من، فاطیما حسینی که مشخصاً عکاسی و هنر، پیشه اصلی‌ام است، اما اردیبا از آنجا که پدرایشان در کنار اینکه سفیر اندونزی در ایران بود، در کنار مسیر دیپلماتیک خود عکاس بنامی هستند و چنانکه اردیبا می‌گوید این پیشینه ذهنی و شروع راهی متفاوت از سیاست‌رامدعین الهامات پدر است.

تجربه برگزاری نمایشگاه در پایتخت‌های دیگری را داشته‌اید. بازتاب‌ها و برخورد‌ها چگونه بوده است؟

بله، من در دهلی پایتخت هند نمایش داشته‌ام و وین پایتخت اتریش و برلین پایتخت آلمان. برخورد‌ها با توجه به موضوع کاری جذاب و هیجان‌انگیز بوده است. و هر چیز نوجددیدی چه در عکاسی استیج که ژانر اصلی‌من در این بخش است و چه در عکاسی خیابانی برای مردم این پایتخت‌ها هیجان‌انگیز و قابل کنکاش بوده است.

آهنگسازی عبدی برای تازه‌ترین ساخته مسعود جعفری جوزانی

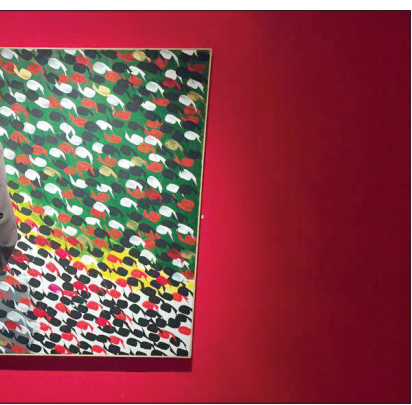
«پشت دیوار سکوت» به آهنگسازی بهزاد عبدی در اوکراین اجرا و ضبط شد. شنیده می‌شود عبدی با این فیلم یکی از مدعیان اصلی دریافت سیمرخ بهترین موسیقی فیلم از جشنواره فیلم امسال است. فیلم سینمایی «پشت دیوار سکوت» به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی توسط یکی از ارکسترهای مشهور اوکراین و اروپا اجرا و ضبط شد.



کروه ادب و هنر عنایت‌الله نظری نوری از

هنرمندان با سابقه و فعال نقاشیخط است که تاکنون نمایشگاه‌های متعددی در داخل و خارج از کشور برگزار کرده و مورد توجه قرار گرفته است. این هنرمند ۷۴ ساله، بیش از ۵۰ سال است که به کار هنری مشغول است و جدای از خلق آثار نقاشیخط و آبرنگ، در این حوزه مولف و کارشناس است. او چیزی حدود دودهه نیز به کار عکاسی مشغول است و این هنر در کارهای این نمایشگاهش مشهود است. در برخی از نمایشگاه‌هایش نیز تعدادی از عکس‌هایش را به نمایش می‌گذارد. سری پنجم «ایران من سلام» این روزها با ۲۰ اثر کالیگرافی در گالری شکوه برپاست که در روز افتتاحیه نیز با استقبال روبه‌رو شد.

عنایت‌الله نظری نوری چند سالی است نمایشگاه «ایران من سلام» را در تهران و کشورهای انگلیس، ایتالیا، آمریکا، استرالیا، آلمان و چین برگزار می‌کند. خودش گفته است که برگزاری این نمایشگاه‌ها در آمریکا و استرالیا با استقبال خیلی خوبی روبه‌رو شده و از او خواسته‌اند که آنجا تدریس کند، اما او نخواسته وطنش را ترک کند. می‌گوید: «در آنجا کسی نبود که در کوچ‌ها آواز دشتی بخواند و حال و هوای ایران را داشته باشد.»



عنایت‌الله نظری نوری از هنر مندان با سابقه و فعال نقاشیخط

حاشیه

اتهام سرقت ادبی از ۴ نویسنده مطرح

و آرتور سی. کلارک (۲۰۰۱: ادیسه فضایی) به جرم رعایت نکردن قانون حق کپی از گلتنینگ شکایت کرده‌اند. این نویسنده سوئدی بدون کسب هیچ‌گونه اجازه‌ای، نسخه کودکانه این کتاب‌ها را نوشته و منتشر کرده است. گلتنینگ پیشتر در زمان حیات جی. دی. سلینجر، کتاب «۶۰ سال بعد: گذر از دشت» را به عنوان دنباله «ناتور دشت»، با نام مستعار «جان دیوید کالیفرنیا» روانه بازار کرده بود. وکیل «سلینجر» این اقدام او را «یک گوش‌بری تمام‌عیار» خواند و از او شکایت کرد. دادگاه انتشار این اثر را در آمریکا ممنوع اعلام کرد. «سلینجر» ۶ ماه پس از این حکم در ۹۱ سالگی درگذشت. با این حال، این رمان چند سال پیش به شکل محدود در بریتانیا و سوئد منتشر شد. این در حالی است که در ایران مولفان به سادگی و بی‌هیچ اجازه‌ای به تخیلص شاهکارهای جهان می‌زنند و قانونی برای رسیدگی به سرقت‌شان وجود ندارد. البته در میان کارهای تألیفی معاصر در ایران، تنها «بوف کور» صادق هدایت بوده است که مولفانی اقدام به نوشتن ادامه آن کرده‌اند و بی‌نیاز از اجازه از ورثه قانونی این نویسنده بوده‌اند.

